

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

(دانشکده حقوق و علوم سیاسی)

گروه مطالعات منطقه‌ای

## سیاست نظامی روسیه و منازعات منطقه قفقاز جنوبی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر جهانگیر کرمی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر الهه کولایی

پژوهشگر:

اعظم ژاله مایوان

بهمن ۱۳۹۰

شکر و سپاس خدا را که بزرگترین امید و باور در لحظه لحظه زندگیست

تقدیم به استاد که معلم روح بود و سازنده آینده من

تقدیم به مهربان فرشتگانی که

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگی،  
مدیون حضور سبز آنهاست

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

و تقدیم به

همسرم، اسطوره زندگی، پناه خستگی و امید بودنم

نمی توانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبانم جاری سازم و سپاس خود را در وصف استادان خویش آشکار نمایم، که هر  
چه گویم و سراپم، کم گفته ام.

## چکیده

منطقه قفقاز از نظر ویژگی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی اهمیت زیادی برای روسیه دارد. بر اساس اسناد امنیت ملی روسیه، قفقاز در حوزه منافع حیاتی روسیه قرار دارد. تحولات نظامی منطقه قفقاز جنوبی از زمان استقلال این کشورها تاکنون نشانگر این است که ساختارها، پایگاهها، کانونها و تجهیزات نظامی این سه کشور، بیشتر بازمانده از اتحاد شوروی و روسیه کنونی است، که در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای نوسازی نظامی بویژه در آذربایجان و گرجستان صورت گرفته است. اوضاع در ارمنستان متفاوت با این دو جمهوری است. این جمهوری هم‌پیمان استراتژیک روسیه است و روسیه هر موقع خطری ارمنستان را تهدید کرده؛ واکنش موثر را نشان داده است. روسها در مقابل ورود و نقش آفرینی غرب در منطقه حساسیت‌هایی نشان دادند؛ از جمله در آذربایجان با قطع پشتیبانی‌های ارتش روسیه از این کشور، موجب شدند که آذری‌ها در جنگ قره‌باغ در مقابل ارمنستان متحمل شکست شدند. در این پژوهش سعی بر آن است تا پیامدهای سیاست نظامی روسیه در منازعات منطقه قفقاز جنوبی و تاثیر متغیر مستقل (سیاست نظامی روسیه) بر متغیر وابسته (منازعات منطقه قفقاز جنوبی) مورد بررسی قرار گیرد.

فرضیه پژوهش این است که روسیه با حضور نظامی در ارمنستان و مداخله نظامی در گرجستان به پیچیدگی بیشتر منازعات در منطقه قفقاز کمک کرده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش توصیفی و بهره‌گیری از تحلیل اسناد ثانویه خواهد بود، زیرا هدف ما بررسی تاثیر یک متغیر بر متغیر دیگر است.

**واژگان کلیدی: روسیه، سیاست نظامی، منازعه، قفقاز جنوبی، ارمنستان، آذربایجان، گرجستان**

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده.....

### فصل اول: ساختار پژوهش

۱- بیان مسأله..... ۱

۲- پرسش‌های پژوهش..... ۲

الف- پرسش اصلی..... ۲

ب- پرسش‌های فرعی..... ۳

۳- پیشینه پژوهش..... ۳

۴- ضرورت و اهمیت پژوهش..... ۹

۵- فرضیه‌های پژوهش..... ۱۰

۶- روش بررسی فرضیه..... ۱۰

۷- محدوده پژوهش..... ۱۱

۷- سازماندهی پژوهش..... ۱۲

### فصل دوم: بنیان‌های مفهومی و نظری پژوهش

مقدمه..... ۱۴

۱- مفهوم منازعه منطقه‌ای و ویژگی‌های آن..... ۱۴

- ۲- شکل گیری، تداوم و پایان منازعه..... ۱۵
- ۳- نقش قدرت‌ها در مناطق ژئوپلیتیک..... ۱۷
- ۴- نقش قدرت‌ها در منازعات منطقه‌ای..... ۲۳
- نتیجه..... ۲۸

### فصل سوم: منازعات منطقه‌ای در قفقاز جنوبی

- مقدمه..... ۳۱
- ۱- گرایش‌های جدایی‌طلبانه در گرجستان..... ۳۲
- الف- مناقشه آبخازستان..... ۳۳
- ب- مناقشه اوستیای جنوبی..... ۳۶
- ج- مناقشه آجارستان..... ۳۸
- ۲- گرایش‌های جدایی‌طلبانه در آذربایجان..... ۳۹
- الف- بحران قره‌باغ..... ۴۰
- ۱- پیشینه مناقشه قره‌باغ..... ۴۰
- ۲- علل و ریشه‌های بحران قره‌باغ..... ۴۲
- ۳- طرح‌های ارائه شده برای حل مناقشه قره‌باغ..... ۴۳
- ۳- نقش قدرت‌های خارجی در منطقه..... ۴۵
- الف- ایالات متحده آمریکا..... ۴۶

ب- اتحادیه اروپا.....	۴۹
ج- ترکیه.....	۵۳
نتیجه.....	۵۷

## فصل چهارم: سیاست نظامی روسیه در قفقاز جنوبی

مقدمه.....	۶۰
۱- اهداف امنیتی- نظامی روسیه.....	۶۱
۲- رهنامه نظامی روسیه.....	۶۳
۳- برنامه‌های نظامی روسیه در خارج نزدیک.....	۶۸
۴- سیاست نظامی روسیه در بحران‌های پیرامونی.....	۷۲
۵- سیاست نظامی روسیه در قفقاز.....	۷۸
الف- سیاست نظامی روسیه در بحران قره‌باغ.....	۸۰
ب- سیاست نظامی روسیه در آبخازیا و اوستیای جنوبی.....	۸۱
نتیجه.....	۸۱

## فصل پنجم: تاثیر سیاست روسیه بر منازعات منطقه قفقاز جنوبی

مقدمه.....	۸۴
۱- روسیه و طولانی شدن بحران قره‌باغ.....	۸۴
۲- روسیه و استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی.....	۸۹

نتیجه..... ۹۳

نتایج نهایی..... ۹۵

منابع و مآخذ..... ۱۰۲



فصل اول

## ساختار پژوهش

---

## ۱- بیان مسئله

تحولات نظامی منطقه قفقاز جنوبی از زمان فروپاشی شوروی تاکنون نشانگر این است که ساختارها، پایگاهها، کانونها و تجهیزات نظامی سه جمهوری تازه استقلال یافته قفقاز جنوبی، بیشتر بازمانده از اتحاد شوروی و روسیه کنونی است که طی سالهای اخیر تلاش زیادی برای نوسازی نظامی بویژه در جمهوری آذربایجان و گرجستان صورت گرفته است. این فرآیند با آغاز روابط این جمهوری با ناتو، ایالات متحده، ترکیه و اسرائیل شروع شده است. بنابراین فرآیند تغییر ساختارها و تجهیزات ارتشهای جمهوری آذربایجان و گرجستان بیشتر منشا خارجی دارد تا داخلی و از همه مهمتر اهداف راهبردی و منافی است که قدرتهای مزبور در قفقاز جنوبی جستجو می کنند و چه بسا این اهداف بسیار مهمتر از اصلاح و نوسازی ساختار نظامی این دو جمهوری می باشد. البته اوضاع در ارمنستان متفاوت با این دو جمهوری است و این جمهوری هم پیمان استراتژیک روسیه است و روسیه هر موقع که خطری ارمنستان را تهدید کرده، واکنش موثر را نشان داده است. تجربه جنگ قره باغ گویای این مطلب است.

وجود کانونهای بحران در قفقاز شمالی و جنگ قره باغ به تعمیق اختلافهای روسیه با گرجستان و جمهوری آذربایجان انجامیده، این دو جمهوری برای رهایی از بار فشار مسکو به سوی قدرتهای فرامنطقه ای آمریکا و ناتو که انگیزه های قوی برای حضور در منطقه از جمله وجود جاذبه های اقتصادی و نظامی در گرجستان و جمهوری آذربایجان و دریای خزر و بدست آوردن پایگاههای مهم برای احاطه و اشراف بر مناطق مجاور داشتند، کشیده شدند تا از پشتیبانی های نظامی، سیاسی و اقتصادی آنها در مقابل حریفان بهره مند شوند. آمریکا و ناتو به سرعت به کمک این دو جمهوری شتافتند و بهانه هایی چون مبارزه با تروریسم و تامین امنیت خط لوله باکو-تفلیس-جیهان، ابزاری بر ادامه گسترش حضور نظامی غرب در منطقه است.

روسها در قبال ورود و نقش آفرینی غرب در منطقه حساسیت هایی نشان دادند از جمله در جمهوری آذربایجان پس از روی کار آمدن حیدرعلی اف و چرخش سیاسی آذری ها به سمت غرب و ایالات متحده، نقش روسها تضعیف شد. با این حال به علت اینکه ساختار و تجهیزات نظامی جمهوری آذربایجان روسی است، بنابراین قطع بخش عمده پشتیبانی های آمادی ارتش روسیه از این کشور موجب شد که آذری ها در جنگ قره باغ در مقابل ارمنستان شکست خوردند.

مقام‌های جمهوری آذربایجان به منظور ترمیم آسیب‌پذیری نظامی خود در مقابل ارمنستان به توسعه روابط و همکاری‌های نظامی با ایالات متحده و غرب روی آوردند. اما اخیراً متوجه شدند که بدون جلب همکاری و پشتیبانی روسیه نمی‌توانند به مقصود برسند، لذا در پی مذاکرات با روسیه و توافقات حاصله در مورد ایستگاه رادار قبله مقرر شد که روسیه کل سیستم اخطار از حمله موشکی و تمامیت سیستم دفاع هوایی دسته‌جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع<sup>۱</sup> را حفظ نماید. در مورد ارمنستان، حضور نظامی روسیه در ارمنستان بر خلاف دیگر جمهوری‌های قفقاز جنوبی رو به گسترش است، ارمنستان از زمان جنگ قره‌باغ بعنوان تنها متحد روسیه در قفقاز، دست روسیه را به تقویت حضور نظامی خود در این کشور باز گذاشت. گرجستان نیز به لحاظ جغرافیای استراتژیک هم برای روسیه، هم برای آمریکا و هم برای ترکیه اهمیت فوق‌العاده دارد. روابط نظامی روسیه و گرجستان از زمان فروپاشی شوروی تحت تاثیر متغیرهای عمده‌ای از جمله نقش‌آفرینی آمریکا و ناتو و اختلاف روسیه و گرجستان پیرامون ناحیه جدایی طلب آبخازیا و مسائل چچن قرار گرفته است، گرجستان هم مانند ارمنستان و جمهوری آذربایجان دارای ارتشی با ساختار و تجهیزات روسی است. به هر حال روسها قفقاز را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌دانند و از طریق پایگاه‌های نظامی در گرجستان و ارمنستان و در قالب نیروهای پاسدار صلح در اوستیای جنوبی و آبخازستان و قره‌باغ در منطقه حضور دارند، روسها بر اساس رهنامه نظامی ۱۹۹۳ بر حق دخالت یکجانبه خود در قفقاز تاکید دارند و عملیات نظامی روسیه را مجاز می‌شمرند.

در این پژوهش سعی بر آن است تا پیامدهای سیاست نظامی روسیه در منازعات منطقه قفقاز جنوبی و تاثیر متغیر مستقل (سیاست نظامی روسیه) بر متغیر وابسته (منازعات منطقه قفقاز جنوبی) مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲- پرسش‌های پژوهش

**الف- پرسش اصلی:** سیاست نظامی روسیه در بیست سال گذشته چه پیامدهایی برای منازعات منطقه قفقاز

جنوبی داشته است؟

<sup>۱</sup> : Commonwealth of Independent States(CIS)

## ب- پرسش‌های فرعی

الف- وضعیت منطقه قفقاز جنوبی از نظر بحران‌های امنیتی و نظامی چگونه است؟

ب- منطقه قفقاز جنوبی در استراتژی امنیتی روسیه چه جایگاهی دارد؟

ج- سیاست ایالات متحده و اروپا چه تاثیری بر سیاست نظامی روسیه در ارتباط با منطقه قفقاز جنوبی داشته است؟

## ۳- بررسی پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش در خصوص موضوع مورد پژوهش، به تعدادی از منابع مفید برمی‌خوریم که می‌تواند ما را در انجام این پژوهش یاری رساند. این منابع عبارتند از: کتاب ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، نویسنده این کتاب محمد حسین افشردی است، این کتاب پنج فصل دارد، که در آن نویسنده ضمن توضیح ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه، به بررسی مسائل مختلف منطقه قفقاز جنوبی می‌پردازد. این کتاب راهکارهایی را به برنامه‌ریزان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی در جهت اتخاذ سیاست مناسب در منطقه ارائه کند. (افشردی، ۱۳۸۱)

از دیگر منابع مفید در ارتباط با منطقه، کتابی است تحت عنوان "شکست فرایندهای صلح"<sup>۱</sup> اثر توماس دی وال می‌باشد. این کتاب راجع به بحران قره‌باغ در منطقه بیان می‌کند که جدی‌ترین اعلامیه در مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی در اجلاس سران G8 توسط روسای جمهور مدودف، اوباما و سارکوزی در طول سال‌های گذشته، اعلامیه دوویل (Deauville)<sup>۲</sup> بوده است. و نیز بیان می‌کند که منازعه قره‌باغ، طولانی‌ترین منازعه در حال اجرا در جهان پساکمونستی است، که در حال حاضر به مناقشه‌ای پیچیده تبدیل شده است. این اعلامیه می‌گوید: استفاده از

<sup>۱</sup> : The Other Failed Peace Process

<sup>۲</sup> : Deauville Declaration

زور، ایجاد وضعیت رویارویی و بی‌ثباتی است و استفاده از آن رنج و ویرانی بیشتر به همراه خواهد آورد و توسط جامعه بین‌الملل محکوم می‌شود. این اعلامیه بر اساس اصول اساسی معمای حاکمیت در قلب مناقشه است. همچنین نویسنده اضافه می‌کند: در زمان شوروی، ناگورنو-قره‌باغ، یک اکثریت ارمنی در منطقه‌ای خودمختار در داخل اتحاد شوروی بود. این اعلامیه، خروج تدریجی ارمنه را از اطراف سرزمین‌های قره‌باغ تصریح می‌کند و نیز "وضعیت موقت" برای منطقه قره‌باغ در نظر می‌گیرد، مشروعیت بین‌المللی قره‌باغ را توسعه می‌دهد اما نه تا حد استقلال کامل، و وعده انتخابات مردمی در آینده را می‌دهد. همچنین نویسنده بیان می‌کند: ایالات متحده و اتحادیه اروپا در روند مذاکرات مربوط به مناقشه قره‌باغ به خوبی عمل کردند، اما با توجه به منافع گوناگون آنها در قفقاز، ایجاد یک توافق مشترک در ارتباط با منازعه قره‌باغ سخت خواهد شد. (De Wall, 2011)

از دیگر مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش، مقاله‌ای است تحت عنوان "قفقاز جنوبی: آیا روسیه نفوذ خود را از دست می‌دهد؟"<sup>1</sup>، توسط آماندا پل نگارش یافته است. نویسنده در این مقاله اظهار می‌دارد: منطقه قفقاز جنوبی در تقاطع بین شرق و غرب قرار دارد و از اهمیت ژئواستراتژیک قابل توجهی برخوردار است، از میان سه کشور قفقاز جنوبی، گرجستان بدترین روابط را با روسیه و نزدیکترین روابط را با غرب دارد. از زمان جنگ سال ۲۰۰۸، زمانی که روسیه تقریباً اوستیای جنوبی و آبخازیا را تصرف کرد، مسکو عملاً هیچ نفوذی در تمام گرجستان نداشت. همچنین اضافه می‌کند: اوستیای جنوبی و آبخازیا کاملاً وابسته به روسیه باقی می‌مانند، در حالی که اوستیای جنوبی همواره وابسته به مسکو بوده، آجاریا دارای سابقه‌ای طولانی در استقلال است. در ارتباط با ارمنستان، اضافه می‌کند: در حالی که روسیه هیچ مرز مستقیمی با ارمنستان ندارد، روسیه نزدیکترین متحد اقتصادی، سیاسی و نظامی ارمنستان باقی می‌ماند و این رابطه به نفع روسیه است، به این دلیل که رئیس‌جمهور سابق ارمنستان، رابرت کوچاریان، به طور تحت‌اللفظی ارمنستان را به روسیه فروخت. از جمله بخش انرژی خود را که ۸۰ درصد آن تحت کنترل روسیه است و همچنین ارمنستان تمام ایستگاه‌های قدرت هسته‌ای خود را در ازای لغو بدهی به روسیه واگذار کرده است. روسیه همچنین سهم زیادی در صنعت حمل و نقل هوایی، شبکه ملی راه آهن، بخش بانکداری، معدن و شبکه‌های مخابراتی ارمنستان دارد. همچنین ارمنستان میزبان پایگاه نظامی روسیه (گومری) است، و نگهبانان مرزی روسیه، مرز ترکیه و ارمنستان را کنترل می‌کنند. در حالی که رئیس‌جمهور کنونی سرژ سرکیسیان مانند سلف خود با روسیه روابط دوستانه‌ای ندارد، خنثی کردن آنچه کوچاریان انجام داده بود، بسیار دشوار است. در ارتباط با جمهوری

<sup>1</sup> : South Caucasia: Is Russia Losing Influence?

آذربایجان نیز نیز اضافه می‌کند: جمهوری آذربایجان بزرگترین جمعیت مهاجر روس را در منطقه دارد، مرکز فرهنگ روسیه فعالانه به ترویج مطالعه تاریخ روسیه، فرهنگ، زبان، سنت‌ها و آداب و رسوم روسیه می‌پردازد. کلیسای ارتدوکس روسیه نیز کاملاً حضور قوی دارد. با این حال، به علت روابط نزدیک روسیه با ارمنستان، بویژه حمایت روسیه از ارمنستان در طول جنگ قره‌باغ کوهستانی، مسکو در ایجاد رابطه با جمهوری آذربایجان با مشکلاتی مواجه شده است و در پایان نیز اضافه می‌کند: روسیه هنوز فضای کافی برای مانور در منطقه دارد، زیرا به طور کلی، غرب تمایلی به روابط سیاسی و اقتصادی مخاطره‌آمیز با روسیه بر سر مناقشات قفقاز جنوبی ندارد، که این امر کمک می‌کند به روسیه با حضور موثر و قوی در منطقه داشته باشد و به گسترش ناتو حداقل در حال حاضر پایان دهد. (Paul, 2011)

اثر بعدی، کتابی است تحت عنوان "قفقاز، یک مقدمه"<sup>1</sup> نوشته توماس دی وال، نویسنده در این کتاب به این موضوع می‌پردازد که قفقاز اغلب به عنوان یک مورد فرعی در تاریخ روسیه یا صرفاً به عنوان دروازه آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در جنگ پنج روزه در گرجستان، که به عنوان یک بحران بزرگ بین‌المللی در سال ۲۰۰۸ بالا گرفت، ثابت می‌شود که قفقاز هنوز یک منطقه قابل احتراق است. نویسنده سه کشور قفقاز جنوبی و بسیاری از مناطق کوچکتر، سرزمین‌های تحت محاصره و نهادهای جدایی‌طلب را بررسی می‌کند. تجزیه و تحلیل جامعی نیز از دوره بعد از سال ۱۹۹۱ فراهم می‌آورد. این کتاب، منطقه قفقاز جنوبی را به عنوان تولید کننده و صادر کننده عمده انرژی مورد بررسی قرار می‌دهد و اشاره‌ای به انقلاب "رز" در گرجستان، ظهور میخائیل ساکاشویلی و جنگ اوت ۲۰۰۸ دارد. همچنین نویسنده به بررسی روابط حسنه ترکیه و ارمنستان، ارتقاء منطقه به عنوان "فلوریدای شوروی" و معروفترین گرجی یعنی استالین نیز می‌پردازد. (De Wall, 2010)

کتاب دیگر، تحت عنوان "بازگشت سیاست قدرت بزرگ"<sup>2</sup> اثر جفری مانکاف به بررسی متفکرانه و متعادلی از توسعه سیاست خارجی روسیه از پایان جنگ سرد می‌پردازد. این کتاب همچنین تحولات دو دهه گذشته را در تاریخ روسیه مورد بررسی قرار می‌دهد. در این کتاب، جفری مانکاف استدلال می‌کند: رفتار قاطعانه‌تر روسیه از زمانی که ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ رییس جمهور شد، منجر به اجماع عمیقی در بین نخبگان روسی در ارتباط با هویت و منافع روسیه و نیز همگرایی مطلوب وقایع از جمله: تداوم بالای قیمت انرژی و بررسی قدرت در ایالات

<sup>1</sup> : The Caucasus: An Introduction

<sup>2</sup> : The Return of Great Power Politics

متحدہ ناشی از جنگ در عراق و افغانستان شد. از آنجا که این عوامل ناشی از روند بلندمدت امور می‌باشند، نویسنده استدلال می‌کند که نباید انتظار داشته باشیم که انتخاب دمتری مدودیف به طور بنیادی رفتار سیاست خارجی روسیه را تغییر دهد. تجزیه و تحلیل مانکاف از فعل و انفعالات روسیه با بازیگران عمده جهانی، از جمله ایالات متحده، اتحادیه اروپا، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و چین یک رفتار بیطرفانه از مسائل بحث‌برانگیز را ارائه می‌دهد. با وجود اغلب لفاظی‌های خشن مسکو و استقرار نیروهای روسیه در برابر گرجستان در سال ۲۰۰۸، نویسنده به طور متقاعدکننده‌ای نشان می‌دهد که دلیل کمی برای ترس از بازگشت به جنگ سرد مانند بن‌بست با غرب وجود دارد. در عوض، نویسنده استدلال می‌کند: روسیه امروز به جای چالش مستقیم با غرب، بیشتر علاقمند است در بازگرداندن آنچه که رهبران آن عقیده دارند که جایگاه قانونی روسیه در بین قدرت‌های عمده جهانی می‌باشد. (Mankoff, 2009)

اثر دیگر کتابی است تحت عنوان "فریب قدرت: روسیه بعد از جنگ قفقاز جنوبی"<sup>۱</sup> نوشته استانیسلاو سکرپرو، نویسنده در این کتاب به این موضوع می‌پردازد که جنگ در قفقاز جنوبی، تکان‌های شدیدی را در سرتاسر جهان پسا شوروی، پایتخت‌های اروپایی و در سراسر اقیانوس اطلس بوجود آورد. نمایش قدرت سخت در گرجستان تعدادی از پیامدهای ناخواسته را برای دولت روسیه ایجاد می‌کند، بحران و جنگ بسیاری از نقاط ضعف و آسیب‌پذیری‌های روسیه در ابعاد حیاتی از جمله: ارتش، قدرت عمودی و فدرالیسم، اقتصاد و موقعیت بین‌المللی روسیه را آشکار کرد. هدف از این کتاب ارزیابی مجدد قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک روسیه پس از جنگ در قفقاز جنوبی است. (Secieru, 2009)

در کتاب "سیاست نظامی روسیه و رهنامه دفاعی ۲۰۱۰ روسیه"<sup>۲</sup> اثر استفان جی بلانک، سه مقاله برای روشن کردن مبارزات سیاسی بین دولت و ارتش در روسیه و رهنامه دفاعی جدید و در نهایت رهنامه سال ۲۰۱۰ ذکر شده است.<sup>۳</sup> (J. Blank, 2011)، منبع بعدی در ارتباط با منطقه، مقاله‌ای است تحت عنوان "سیاست خارجی روسیه و قفقاز جنوبی در زمان پوتین"<sup>۳</sup>، اثر فاما آسلی کلکیتلی، این مقاله به بررسی سیاست خارجی روسیه در قفقاز جنوبی می‌پردازد، با شروع ریاست جمهوری پوتین در می سال ۲۰۰۰، تا پایان جنگ پنج روزه بین گرجستان و روسیه، که در اوت ۲۰۰۸ صورت گرفت، اگرچه مسکو در طول این مدت از ابزارهای سیاسی و اقتصادی برای اعمال نفوذ و تسلط

<sup>۱</sup> : Illusion of Power: Russia after The South Caucasus

<sup>۲</sup> : Russia Military Politics And Russia's 2010 Defense Doctrine

<sup>۳</sup> : Russian Foreign Policy in South Caucasus Under Putin

بر سه کشور کوچک قفقاز جنوبی استفاده می کرد، اما هنگامی که دولت جدید کرملین، تلاش های گرجستان را برای کنترل دوباره بر مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی مشاهده کرد، آنرا به عنوان حمله عمده ای به منافع ملی روسیه تلقی کرده و در آغاز عملیات نظامی در منطقه تردید نکرد. (Asli kelkitli, 2008)

مقاله بعدی تحت عنوان "چالش های استراتژیک روسیه در قفقاز جنوبی"<sup>۱</sup> اثر راجر ان مک درموت، به این موضوع می پردازد که: تلاش های دیپلماتیک گسترده تر مسکو در قفقاز جنوبی، نتایج مختلفی را به همراه داشته است. اعلامیه حل و فصل مناقشه ناگورنو-قره باغ که توسط روسای جمهور آذربایجان، ارمنستان و روسیه در تاریخ ۲ نوامبر امضا شد، خواستار یک راه حل سیاسی برای منازعه است. و نیز اضافه می کند، روسیه مواجه با تاثیر بحران مالی جهانی، تقویت روبل، فرار سرمایه های خارجی از زمان جنگ اوت، و نیز مواجه با جنبه های لغزش مداوم قیمت جهانی نفت می باشد. روسیه متعهد به ایجاد پایگاه های نظامی روسیه در آبخازیا و اوستیای جنوبی است، که بسیار پرهزینه است و یک کانال امنیتی- مالی اضافی برای دولت روسیه محسوب می شود. به همان اندازه، شناسایی استقلال دو منطقه جدایی طلب گرجستان، هیچ حمایتی را از سوی کشورهای مستقل مشترک المنافع بدست نیاورده است. همکاری ناتو با جمهوری آذربایجان و گرجستان، بعید است کاهش یابد. به احتمال زیاد، شاهد کمک های عمیق تر به صورت جداگانه متناسب با نیازهای کشور میزبان و ارتقاء اصلاحات بخش های امنیتی و دفاعی می باشد، در حالی که باعث تحریک بیشتر همگرایی ارو-آتلانتیک نیز می شود. و در پایان اضافه می کند: قدرت روسیه بعد از جنگ گرجستان، ممکن است فریبنده تر یا گمراه کننده تر از واقعیت باشد. (N.Mcdermott,2008)

مقاله بعدی تحت عنوان "اوستیای جنوبی: حیات خلوت ک گ ب در قفقاز"<sup>۲</sup> اثر پریوبرازنسکی می باشد، نویسنده در مقاله اشاره می کند: اوستیای جنوبی در معرض حضور گسترده ک گ ب قرار دارد. روسیه بر اساس پیمان دوستی با اوستیای جنوبی، برای استقرار نگهبانان مرزی خود در آنجا، به خود حق می دهد. سرویس امنیت فدرال<sup>۳</sup> نیز، نه تنها محافظت از مرزهای اوستیا را بر عهده دارد، بلکه همچنین برای انجام جاسوسی علیه گرجستان نیز بکار می رود. فراتر از این، اوستیای جنوبی، ک گ ب و سرویس جاسوسی خود را با افراد و کارمندان روس مجهر کرده است. اوستیای جنوبی تنها بر روی کاغذ مستقل است و در حال حاضر در سیستم بودجه روسیه ادغام شده است. ۸۰ درصد جمعیت آن شهروندان روس هستند. و نیز اضافه می کند: اوستیای جنوبی برای تمام اهداف عملی،

<sup>۱</sup> : Russia's Strategic Challenges in The South Caucasus

<sup>۲</sup> : South Ossetia: KGB Backyard in The Caucasus

<sup>۳</sup> : Federal Security Service(FSB)



قلمرو حکومتی ک گ ب است. نویسنده همچنین معتقد است: نوستالوژی (یا احساس غربت برای میهن) برای اتحاد شوروی، خودش را نه تنها در هجوم به گرجستان در ماه اوت ۲۰۰۸، بلکه همچنین در دادن نام شوروی "ک گ ب" به وزارت امنیت اوستیای جنوبی آشکار شده است. در روسیه ک گ ب نه تنها در عملیات جاسوسی، بلکه همچنین در فساد و انحراف گسترده نیز درگیر شده است. این الگو از اداره امور دولت روسیه به اوستیای جنوبی صادر شده است. (Preobrazhensky, 2009)

مقاله بعدی تحت عنوان "سیاست‌های ترکیه و روسیه و ایجاد معضل امنیتی برای آذربایجان"<sup>۱</sup> اثر تامرلان وهابف، اشاره می‌کند: جنگ اوت ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان، تغییرهای قابل توجهی را برای سیاست در قفقاز جنوبی بوجود آورد. همچنین تغییر ساختارهای سیاسی سنتی منطقه را مورد تهدید قرار داد و نیز پیامدهای عمیقی برای جمهوری آذربایجان به همراه داشت. بسیاری در جمهوری آذربایجان بر این باور بودند که جنگ روسیه-گرجستان، روسیه را نسبت به اتخاذ موضع مذاکره نسبت به جمهوری آذربایجان متمایل تر می‌سازد. این امر به وسیله ابتکار عمل کرملین به منظور گفتگو برای اعلامیه صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان تایید شد. رییس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف، به نظر میرسد مایل به پرداختن به مسائل مربوط به بی‌ثباتی منطقه‌ای می‌باشد. نمونه‌های آن از جمله، موضع بی‌طرفی در جنگ روسیه و گرجستان و تمایل به پذیرفتن طرح روسیه در مسئله قره‌باغ کوهستانی، در کنار قالب منظم مذاکرات می‌باشد. و نیز اضافه می‌کند: آمریکا ۸۰۰ میلیون دلار تسلیحات به ارمنستان تحویل داد که این امر برای جمهوری آذربایجان گیج‌کننده بود. نویسنده همچنین می‌نویسد: نشانه‌هایی از روابط حسنه ترکیه و ارمنستان در جمهوری آذربایجان مشاهده شده است، با توجه به تحول جاری در سیاست خارجی ترکیه نسبت به منطقه قفقاز جنوبی، ناامیدی بیشتر جمهوری آذربایجان از حرکات ترکیه مورد انتظار است. با توجه به تلاش‌های الهام علی‌اف برای روابط نزدیکتر با کشورهای منطقه، ترکیه یا روسیه، رفتارهای ترکیه برای آذربایجان ناامیدکننده است. معضل امنیتی در هر دو بعد نظامی و اقتصادی به طور فزاینده‌ای برای آذربایجان مشکل‌ساز است.

روابط حسنه ترکیه با ارمنستان و روسیه، و رفتار اخیر آن در پروژه ناباکو، امور تسلیحاتی روسیه با ارمنستان و مسئله سازمان پیمان امنیت دسته جمعی، آذربایجان را در یک موضع ضعف در منطقه قرار داده است. در نتیجه آذربایجان ممکن است تلاش‌هایش را برای تقویت روابط خود با غرب افزایش دهد. (Vahabov, 2009)

<sup>1</sup> : Russian and Turkish Policies Creat Security Dilemma for Azerbaijan

مقاله بعدی تحت عنوان "اوراسیاگرایی جدید الکساندر دوگین در منازعه روسیه و گرجستان"<sup>1</sup> اثر مارلین لورل، به این موضوع می‌پردازد: الکساندر دوگین از طرفداران معروف اوراسیاگرایی جدید در روسیه، به شدت در بحران بین روسیه و گرجستان درگیر بود. نویسنده اضافه می‌کند: از زمان جنگ‌های قرن نوزدهم در قفقاز، اوستیایی‌ها خودشان را به عنوان متحدان مسکو در فتح آن منطقه قرار می‌دادند. در قرن بیستم، آنها به عنوان واسطه برای رهبران بلشویک خدمت می‌کردند و جنبش خودمختاری اوستیا را به منظور تضعیف اولین جمهوری گرجستان ترویج می‌دادند، بنابراین مناقشه معاصر دارای ریشه‌های تاریخی است. و نیز می‌نویسد: حتی اگر منازعه روسیه و گرجستان به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود، اوت ۲۰۰۸ به عنوان یک نقطه عطف در روابط بین روسیه و غرب یاد شده است، و نیز به عنوان لحظه تبلور جنبش‌های ملی‌گرایی روسیه. جنگی که در اوستیای جنوبی آغاز شد، انرژی دوباره‌ای به نیروهای ملی‌گرا بخصوص جوانان برای ترویج ایده جنگ با گرجی‌ها داد، و احتمالاً اعلام موج جدید از اقدام‌های ملی‌گرایان روس در مولداوی، استونی و اوکراین و تنش‌ها با لهستان می‌باشد. در پرتو تماس‌های اغلب ملی‌گرایان تندرو، برخی دیگر از لابی‌های میهن‌پرست، موضع معتدل‌تری را حفظ کرده‌اند. در حالی که از این ایده که روسیه می‌بایست به استقلال کوزوو و تهدید گسترش ناتو واکنش نشان می‌داد، حمایت می‌کنند. (Laruelle, 2008)

مقاله دیگر تحت عنوان "فشارهای روسیه به اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در جهت همراهی با سیاست‌های مسکو"<sup>2</sup> است، نویسنده این مقاله استفان بلانک توضیح می‌دهد که: یک ماه پس از توقف جنگ در گرجستان به نظر می‌رسد که مسکو در حال تلاش برای وارونه کردن اظهار نظر معروف کلاوزویتس است. روسیه به وضوح بر این باور است که در رابطه با گرجستان، دیپلماسی به معنای هدایت جنگ با دیگر ابزارهاست، جدای از طرح و شناسایی یکجانبه حاکمیت و استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، مسکو همچنین به دنبال منزوی کردن و مجازات گرجستان است. روسیه مصمم به جلو می‌رود و حق خود را بر حوزه نفوذ تعریف شده که دربرگیرنده اتحاد شوروی می‌باشد را آشکارا اعلان کرده است. تلاش‌های روسیه برای متقاعد کردن آذربایجان به یکپارچه‌سازی سیستم‌های انرژی خود با روسیه و یا قطع سرمایه‌گذاری خارجی، تسخیر عرضه گاز و نیز شبکه‌های گازرسانی در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و دیگر دولت‌ها، یا تهدید تجدید نظر ارضی، در تمام این موارد، ما

<sup>1</sup> : NEO- Eurasianist Alexander Dugin on The Russia- Georgia Conflict

<sup>2</sup> : Russia Pressures CIS Members To Approve It's Policies

تلاش واضحی را توسط مسکو در مسلم فرض گرفتن و سپس اجرای عدم تقارن عملی در حاکمیت این دولت‌ها در مقابل روسیه می‌بینیم. این اقدامات نشان می‌دهد که مسکو به طرز موثری در حال برپا کردن جنگ بر علیه گرجستان (البته نه خشونت‌آمیز)، منزوی کردن آن و بدست آوردن موقعیت قدرت و نفوذ می‌باشد. (Blank, 2008)

#### ۴- ضرورت و اهمیت پژوهش

منطقه قفقاز جنوبی به دلیل واقع شدن در منطقه حساس و استراتژیک "اوراسیای مرکزی" پس از فروپاشی شوروی، امروزه بعد از حدود یک قرن مجدداً بنابر دلایل ژئوپلیتیک، ژئواستراتیک و ژئواکونومیک نگاه قدرتها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب نموده است. قفقاز دو دریای مهم سیاه و خزر را به هم پیوند داده و حلقه اتصال اروپا و آسیا می‌باشد. با فروپاشی شوروی و کوچکتر شدن حیطه امنیت ملی و بین‌المللی، این کشور استراتژی دفاعی خود را از اروپای شرقی به مرزهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تغییر داد، مسکو در زمینه امنیتی، ضمن تداوم حضور مستمر خود در مناطق استراتژیک به خصوص بحرانی، سعی در کنترل مرزهای شوروی را دارد و همچنین درصدد هدایت و مدیریت بحران‌هایی است که ممکن است زمینه‌ساز نفوذ غرب باشد. از جمله سیاست مسکو در قبال بحران قره‌باغ و آبخازیا است. همچنین درصدد تضعیف عوامل و اتحادیه‌هایی است که به عنوان ابزار نفوذ غرب در منطقه عمل می‌کنند، به عنوان مثال تضعیف گوام یکی از اولویت‌های مهم سیاست خارجی و امنیتی مسکو است. با نظامی شدن منطقه قفقاز جنوبی، توجه و ملاحظه ایران مبتنی بر برداشت‌های امنیتی می‌گردد و ژئوپلیتیک جدید منطقه، امنیت ملی ایران را نیز متأثر می‌سازد، لذا از رهگذر این بررسی، میزان توانایی‌های بازیگران در شکل‌دهی به آینده قابل‌تصور و پیش‌بینی مناقشات منطقه قفقاز جنوبی مورد سنجش و تأمل قرار می‌گیرد.

## ۵- فرضیه‌های پژوهش

**فرضیه اصلی:** روسیه با حضور نظامی در ارمنستان و مداخله نظامی در گرجستان به پیچیدگی بیشتر منازعات

در منطقه قفقاز کمک کرده است.

سیاست نظامی روسیه

حضور نظامی در منطقه قفقاز جنوبی

پیچیدگی مناقشات منطقه

**فرضیه رقیب:** حضور نظامی روسیه به کنترل بحران در منطقه قفقاز جنوبی کمک کرده است.

## ۶- روش بررسی فرضیه

با توجه به ماهیت موضوع، روش مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی و بهره‌گیری از تحلیل اسناد ثانویه خواهد بود، زیرا هدف ما بررسی تاثیر یک متغیر بر متغیر دیگر است. برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. داده‌ها نیز از کتاب‌ها، مجله‌های تخصصی، سایت‌های اینترنتی تخصصی، خبری و تحلیلی جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. برای بررسی فرضیه تلاش شد تا با بیان متغیرها و شاخص‌های آنها، روابط میان متغیرها را مورد تحلیل قرار گیرد.

الف- متغیر مستقل: سیاست نظامی روسیه

۱- اعلام منطقه به عنوان حوزه منافع حیاتی

۲- اراده برای مداخله در منطقه

۳- تهدید و فشار علیه رقیب

ب- متغیر مداخله‌گر: حضور نظامی روسیه در قفقاز

۱- پایگاه نظامی روسیه در اوستیای جنوبی

۲- پایگاه نظامی روسیه در آبخازستان